صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

## #مستمری_معلولان

جامعه پدیا

مبلغی که به‌عنوان مستمری ماهانه به معلولان پرداخت می‌شود آنقدر کم است که نمی‌توان انتظار داشت کمک اساسی به هزینه‌های زندگی آنها کند. در شرایط اقتصادی کنونی که حقوق کامل کارمندی و کارگری هم کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد، مستمری معلولان نقشی در مخارج زندگی با معلولیت نخواهد داشت. مستمری معلولان در سال‌های اخیر افزایش پیدا کرده است. از اردیبهشت ۱۴۰۴ مستمری‌ها نسبت به سال قبل ۴۰ درصد بیشتر شده و برای امسال به رقمی بین ۱.۵ تا ۴میلیون تومان رسیده است. تفاوت بین این ارقام به‌دلیل شدت معلولیت، دهک درآمدی و ابعاد خانوار است. خانواده‌های ۴و۵نفره می‌توانند مستمری ۴میلیونی دریافت کنند اما به همین نسبت هم هزینه‌های بسیار بیشتری دارند. علی همت محمودنژاد، مدیرعامل جامعه معلولان ایران دراین‌باره گفت: «در ماده ۲۷قانون حمایت از معلولان آمده است که دولت موظف است مستمری معلولان را برابر حداقل دستمزد کارگر پرداخت کند. حداقل حقوق کارگر امروز ۱۰میلیون تومان اما مستمری‌ای که به معلولان پرداخت می‌شود یک هشتم این رقم است.»

### حق پرستاری در خانه

یکی دیگر از هزینه‌هایی که باید به معلولان پرداخت شود «حق پرستاری» از معلول است. محمودنژاد در پاسخ به سؤال خبرنگار همشهری درباره حق پرستاری، گفت: «برای نگهداری معلول در خانه ۴میلیون و ۲۰۰هزار تومان پرداخت می‌شود. خانواده‌هایی هستند که از ۳معلول در خانه نگهداری می‌کنند و هزینه‌های زیادی دارند که با این مبلغ تامین نمی‌شود.» ظاهرا پرداخت حق پرستاری در ماه‌های گذشته تأخیر داشته است. سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور در نشست خبری در ابتدای هفته معلولان با تأکید بر اینکه حق پرستاری بهزیستی با رویکرد خانواده محوری دنبال می‌شود، گفت: «۱۵۳هزار نفر مشمول حق پرستاری هستند. امسال حق پرستاری ۴۳درصد افزایش داشته است. همیشه تعدادی از پرونده‌های حق پرستاری پشت نوبت قرار دارند اما ما سعی کرده‌ایم برخی از این پرونده‌ها، مخصوصا آنهایی را که مربوط به ضایعه نخاعی بوده است، به صفر برسانیم. در نتیجه این بخش پشت نوبتی ندارد.»

# لاتاری نه، تباهی

## با سیاست‌های عجیب آمریکایی‌ها دیگر لاتاری یک بخت طلایی نیست

> در سیاست‌های جدید مهاجرتی که ترامپ ابلاغ کرده مجوز اقامت افراد ۱۹کشور ازجمله ایران بازبینی یا لغو خواهد شد

جامعه امروز

**گروه جامعه** | چند روز دیگر تا پایان ثبت‌نام لاتاری باقی نمانده و هزاران نفر برای یک بلیت ظاهرا رویایی صف کشیده‌اند اما آن سوی این رویا، راهی طولانی، پرهزینه و پر از آزمون‌های سخت برای برندگان است. در سال ۱۹۹۰ برنامه Diversity Visa Lottery در آمریکا شروع شد. هر سال حدود ۵۵هزار ویزا (که در عمل به ۵۱ تا ۵۲ هزار می‌رسد) بین بیش از ۲۰میلیون متقاضی از سراسر جهان پخش می‌شود. شانس واقعی برنده شدن در کل دنیا حدود ۰/۶۵درصد است؛ یعنی از هر ۱۵۰نفر فقط یک نفر انتخاب می‌شود. برای برخی کشورها این عدد به نیم درصد هم نمی‌رسد. این یعنی میلیون‌ها نفر هر سال امیدشان را به یک الگوریتم رایانه‌ای می‌سپارند که انسان در آن دخالت ندارد.

بسیاری هنوز لاتاری را «بخت طلایی» می‌دانند؛ همان تصویری که از تبلیغات، فیلم‌ها و داستان‌های موفقیت چند نفر ساخته شده. عکس‌هایی در کنار مجسمه آزادی، ویدئوهای «اولین روز در آمریکا»، پست‌های اینستاگرامی از خانه‌های بزرگ و ماشین‌های نو؛ همه اینها روی هم یک افسانه خیالی توهم‌زا ساخته‌اند؛ افسانه‌ای که می‌گوید کافی است اسم‌تان از قرعه بیرون بیاید، بقیه‌اش خودبه‌خود درست می‌شود. اما وقتی پای واقعیت به میان می‌آید، داستان خیلی فرق می‌کند.

واقعیت اینجاست که از حدود ۵هزارو ۳۰۰نفری که در دوره اخیر از ایران در لاتاری برنده شدند تا امروز فقط چیزی حدود ۲هزارو ۸۰۰نفرشان موفق به گرفتن ویزا شده‌اند و بقیه در راه مانده‌اند؛ گاهی به‌خاطر هزینه ۳۳۰دلاری سفارت، گاهی نداشتن تمکن مالی، گاهی مشکل زبان یا حتی نقص مدرک. حتی آنهایی که ویزا می‌گیرند، تازه اول خط ایستاده‌اند. پرواز، پیدا کردن جا، خرید ماشین، بازکردن حساب بانکی، گرفتن گواهینامه و پیدا کردن مدرسه برای بچه‌ها که همه این موارد در چندماه اول باید انجام شود و هر کدام هزینه خودش را دارد. به همه اینها اضافه کنید داستان بخشنامه جدید ترامپ را که می‌خواهد اقامت‌های اخیر مهاجران بسیاری از کشورها ازجمله ایرانیان را بازبینی کند و قرار بر لغو آنها دارد.

# اعتیاد زنان خطرناک‌تر است

## ترک اعتیاد در میان زنان درصد بسیار پایینی دارد

جمعیت زنان معتاد از مردان کمتر است و شاید به همین دلیل باشد که درباره ویژگی‌های اعتیاد زنان و تفاوت‌های ۲جنس مطالعه زیادی صورت نگرفته است. به دلایل فرهنگی، زنان اعتیاد خود را بیشتر پنهان می‌کنند و ارزیابی مقدار خرید و مصرف در آنها دشوارتر است. البته گفته می‌شود که اعتیاد زنان عوارض بیشتری دارد و ترک اعتیاد هم برای آنها سخت‌تر است. معاون پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با موادمخدر گفته است که زنان معتاد بیشتر از مردان، مواد مصرف می‌کنند و الگوی مصرف آنها پرخطرتر از مردان است. به گفته امیرحسین یاوری، مردان از مواد سنتی شروع می‌کنند و بعد به سراغ مواد صنعتی می‌روند اما زنان معتاد در همان ابتدا از مواد صنعتی و پرخطر استفاده می‌کنند و با توجه به شرایط جسمی، خیلی زودتر دچار تغییر ظاهری می‌شوند. از آنجا که میانگین سنی مصرف موادمخدر در زنان ۲۳ تا ۴۴ سال است، عوارض اعتیاد آسیب زیادی به آنها وارد می‌کند. او آماری درباره تولد نوزادان از مادران معتاد نیز ارائه کرده و گفته است که در ۷۴ مرکز اقامتی معتادان مربوط به ستاد موادمخدر، ۱۶هزار زن نگهداری می‌شوند. در یک سال گذشته از تعداد ۳هزار و ۲۴۲ مادر باردار، تعداد ۲هزار و ۵۳۶ نوزاد در ۱۳۷ بیمارستان متولد شده‌اند.

### قصه دشوارتر

**نگاه غالب در جامعه به زنان معتاد باعث شده است که اعتیاد آنها به جای اینکه در روند درمان قرار گیرد، مخفی بماند. دکتر فرید براتی سده، پژوهشگر اعتیاد در این‌باره به همشهری می‌گوید: «زنان معتاد در جامعه ما با «انگ اجتماعی» روبه‌رو هستند. اگر مادر یک خانواده معتاد باشد خانواده‌های دیگر از رفت‌وآمد با او خودداری می‌کنند. اگر دختر خانواده معتاد باشد، همسایه‌هایش از این صحبت می‌کنند که مخارج موادمخدر را چطور تأمین می‌کند؟ به همین دلیل است که مردان می‌توانند درباره اعتیاد خود سخن بگویند و به‌دنبال درمان باشند اما زنان آن را پنهان می‌کنند و هرقدر که بگذرد درمان سخت‌تر می‌شود.» او تأکید می‌کند: «یک مشکل دیگر هم درباره اعتیاد زنان داریم. الگوی اعتیاد در جوانی این است که از سیگار و حشیش شروع می‌شود و بعد به تریاک و در آخر به شیشه می‌رسد. خیلی از زنان هستند که این مسیر را طی نمی‌کنند و مستقیما از مصرف شیشه و موادصنعتی دیگر شروع می‌کنند؛ در نتیجه به سرعت دچار آسیب‌های ماندگار موادمخدر می‌شوند.»**

عکس: همشهری/ حسین تهرانی

**امید ۲ میلیونی**

اصل و شرح

**براساس اعلام ستاد ملی جمعیت، از فروردین ۱۴۰۵ برای هر نوزاد کارتی به نام مادرش صادر خواهد شد که با آن طی ۲۴ ماه، ماهانه ۲ میلیون تومان دریافت کند. برای دریافت مجموعا ۴۸ میلیون تومان این طرح هیچ محدودیت دهکی وجود ندارد و «کارت امید مادر» برای همه مادران صادر می‌شود. اجرای این طرح هرچند نقص‌هایی دارد و در اصل خود به‌خاطر مبلغ اندکش خیلی جذاب به‌نظر نمی‌رسد، در مسیر ارتقای حرمت مادران و تثبیت مادرانگی به‌عنوان وظیفه‌ای سنگین و پرمشغله قدم مهمی به شمار می‌رود.**



صفحه‌آرا: مجید اصغری

هشتگ روز

## چرا مناظره کاشانی و سلیمانی دیده شد؟

این روزها برنامه‌های اینترنتی پر شده است از مناظره‌ها و گفت‌وگوهایی که با به‌دست گرفتن رگ خواب مخاطب و توجه به نیاز جامعه وایرال می‌شوند؛ درست مانند مناظره حامد کاشانی و عبدالرحیم سلیمانی اردستانی که در کمتر از ۲۴ساعت به ترند روز تبدیل شد.

فارغ از جزئیاتی که در این مناظره از سوی دوطرف مطرح شد، این مناظره را می‌توان دریچه‌ای نو در طرح مباحث دینی و پاسخ به شبهاتی یاد کرد که هر چند همواره مطرح بوده‌اند، این روزها بیش از گذشته ظهور و بروز پیدا کرده‌اند. اینکه روحانیون در بستری خارج از فضای سنتی هیئت و مسجد با مخاطب روبه‌رو شوند و در چارچوبی دور از منبر با گوش دادن به سخن فرد منتقد و حتی مخالف دست به بیان مستندات بزنند، می‌تواند یک قدم درست برای گفت‌وگو باشد. این قدم نو نشان می‌دهد که می‌شود درباره حساس‌ترین موضوعات با هدف روشنگری حرف زد، بدون آنکه حرمت‌ها شکسته یا فضای عمومی ملتهب شود.

در شرایطی که گاهی کوچک‌ترین اختلاف نظر تبدیل به منازعه رسانه‌ای می‌شود، دیدن یک گفت‌وگوی واقعی که هدفش رفع شبهه است نه کوبیدن طرف مقابل، اتفاق کوچکی نیست. مناظره کاشانی و سلیمانی به ما یادآوری کرد که می‌توانیم درباره مسائل حساس هم حرف بزنیم و همچنان محترم باقی بمانیم. این الگو در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و حتی میان مخاطبان عادی می‌تواند تکثیر شود. اتفاق اخیر یک نقطه روشن است؛ امیدی برای اینکه فرهنگ گفت‌وگوی مذهبی در برنامه‌های اینترنتی به شکل درست مورد توجه قرار بگیرد و همچنین به سؤالات ایجاد شده در ذهن نسل جوان از مسیری درست و منطقی پاسخ داده شود.

**عکسی که حقیقت شهر را فاش کرد**

**یک عکس از صبح خلوت تهران به چهره کمتر دیده شده از شهر و اهالی آن تبدیل شد. در این تصویر، بسته‌های نوشیدنی بدون هراس از دزدیده شدن در ساعت اولیه صبح، پشت درهای بسته یک مغازه گذاشته شده تا صاحب مغازه پس از آمدن، آنها را در قفسه مغازه خود جا دهد. یک کاربر شبکه ایکس با انتشار این عکس نوشت: «در توییتر، ایرانی‌ها «بدترین مردم دنیا» لقب می‌گیرند، اما در واقعیت، همین آدم‌ها بی‌هیچ چشمداشتی مراقب هم هستن.» ارزش این ماجرا نه در قیمت بسته‌ها که در یادآوری یک حقیقت فراموش‌شده است؛ اینکه زیر همین شهر دودزده، انسان‌هایی زندگی می‌کنند که مرام، اعتماد و مسئولیت‌پذیری را آرام و بی‌سروصدا نفس می‌کشند.**

# خرده‌فروشی به‌جای کتابفروشی

## درباره فروش دست‌سازه‌ها و لوازم تزئینی و نوشت‌افزارهای فانتزی که جای کتاب را در کتابفروشی‌ها تسخیر کرده‌اند

گزارش

**سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار** | اوایل برای همه‌شان جا بود، حتی اگر تعداد قفسه‌ها کم و یا فضای کتابفروشی‌ها تنگ و کوچک می‌شد یا اگر خلق‌وخوهایشان جورواجور و ناساز باهم بود؛ برای خیرالنسای پاک‌ضمیر (کتاب خیرالنسا)، سیزیف خسته، ژان‌والژان لوتی، تن‌تن ماجراجو، رستم اژدهاکش، گل‌محمد عاشق‌پیشه (کلیدر)، مارگاریتای مرشددوست، کالفیلد قهرمان ناتوردشت، الا روبینشتاین صوفی شده، هری‌پاتر سوررئال، دایی‌جان ناپلئون دشمن‌هراس و برای هزاران هزار شخصیت اصلی و فرعی داستان‌های معروف و کتاب‌های کم‌تیراژ ایران و جهان جا بود. اما ناگهان سروکله گلدان‌های کوچک، صنایع‌دستی، دست‌سازه‌های نقره، بشقاب و لیوان، کیف و کوله‌پشتی و نوشت‌افزارهای فانتزی میانشان پیدا شد. تازه‌چیده‌شده‌ها با آنکه بی‌تناسب با الگوی کتابفروشی‌ها بودند اما اغلب نگاه مشتریان کتاب را می‌دزدیدند و خوب به فروش می‌رسیدند، از این‌رو شمارشان بیشتر و بیشتر شد. حالا ماگ‌های گوناگون روی مجلدهای گالینگور آثار برتر جهانی جا می‌گیرند، کتاب‌های پرفروش از میان کیسه‌های پارچه‌ای دست‌دوز نمایان می‌شوند، مداد و خودکار و دفترهای آنچنانی کنار چندجلدی‌های نفیس به‌چشم می‌آیند و زیورآلات مسی و نقره‌ای نیز لابه‌لای تازه‌های نشر چیدمان می‌شوند. این داستان تصرف عدوانی کتاب و کتابفروشی‌هاست.

### بیشتر خنزرپنزر و کمی کتاب‌های فاخر

لوازم جانبی برای فروش حالا به بخش جدانشدنی کتابفروشی‌ها و حتی فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب تبدیل شده‌اند، مثل داروخانه‌ها که قفسه‌هایشان را محصولات بهداشتی و آرایشی گرفته‌اند: «دیگر معلوم نیست مشتری‌ها به‌خاطر خرید کتاب می‌آیند کتابفروشی یا لوازم دکوری و فانتزی...» این را نگار یکی از فروشندگان کتابفروشی‌ای بزرگ در مرکز شهر می‌گوید. به‌گفته او «تا همین ۴-۳سال پیش فروش کتاب با اختلاف کمی، بیشتر از لوازم جانبی بود اما این روزها انگار به فروش برابر رسیده‌اند. همانقدر که کتاب فروخته می‌شود نشانه‌گذاری کتاب، شمع و زیرفنجانی هم مشتری دارد. گاهی در مناسبت‌های شخصی یا عمومی پاخور کتابفروشی‌مان از همین خنزرپنزرهای شیک است.» مشتریانی که در قسمت عرضه لوازم جانبی و وسایل تزئینی کتابفروشی محل کار نگار مشغول انتخابند، شاهدانی از غیب هستند که گفته‌های او را تأیید می‌کنند چون تعدادشان بیشتر از مشتریانی است که مقابل قفسه‌های کتاب همان کتابفروشی ایستاده‌اند.

### ای‌بوک و اُفست‌های ارزان

مقابل قفسه مربوط به کتاب‌های ادبیات کلاسیک جهان این‌پا و آن‌پا می‌کنند؛ ۳دختر جوانی که از قرار، دانشجوی ترم اولی رشته زبان و ادبیات فارسی‌اند. دست‌کم ۵-۴کتاب در قفسه، دل هر یک از دختران را برده اما وقتی چشم‌شان به قیمت کتاب‌ها می‌افتد دلدادگی یادشان می‌رود. یسنا، یکی از دختران است که برای دلخوشی خود و دوستانش بلندبلند می‌گوید: «به‌نظرم بیخودی گران هستند بچه‌ها... یک روز می‌رویم انقلاب و نسخه افست‌شان را می‌خریم یا اصلا از نسخه ای‌بوک (کتاب الکترونیکی) استفاده می‌کنیم.» آیدا به ناچار پی حرف یسنا را می‌گیرد: «شاید نسخه‌های چاپی کتاب‌ها، تافته جدابافته‌ای باشند اما نسخه‌های افست و پی‌دی‌اف‌شان هم بد نیست... ارزان است و می‌شود با باقی پولش از آن چیزهای جینگول مینگول خرید.»

### وقت‌گذرانی و خرید دکوری

انگار کتاب‌ها عادت دارند به حاشیه‌نشینی در خانه‌شان. روزگاری بود که بابت کتاب‌های کنکوری و کمک‌آموزشی جایشان تنگ بود و حالا هم که لوازم تزئینی در کتابفروشی‌ها عاج‌نشینی می‌کنند. محمد، صندوق‌دار کهنه‌کار یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب است: «یادم هست یک زمانی مشتری‌ها با چند جلد کتاب از فروشگاه خارج می‌شدند. کاغذ که گران شد طرح اقساطی بعضی کتاب‌های ویژه باشگاه مشتریان و یا جشن‌های رونمایی، امضا و جمع‌خوانی برگزار کردیم اما فایده‌ای نداشت. تکثیر غیرقانونی کتاب‌های خاص و نایاب، فروش کتاب‌های دست‌دوم، دستفروشی کتاب و همه و همه دست به‌دست هم دادند تا وضع همینی شود که می‌بینید؛ مشتری‌ها اغلب برای وقت‌گذرانی و خرید لوازم دکوری می‌آیند به کتابفروشی.» دوروبر صندوقش شلوغ است از چند مدل ماگ، شمع و استیکرهای رویخچالی و ظرف‌های شیشه‌ای رنگی و یک گلدان چوبی با شاخه‌ای پتوس.

### میانبری برای جبران هزینه‌ها

«همه‌ش تقصیر کتاب‌نخوان‌هاست.» این را بارانا می‌گوید که پشت میز ۲نفره کافه‌کتابی معروف نشسته و مشتری ثابت کافه‌کتاب است: «وقتی کاغذ از بندی ۱۰۰یا۲۰۰هزار تومان برسد به ۲تا۳میلیون تومان و کاغذ یارانه‌ای هم حذف شود، ناشر و کتابفروش چاره‌ای ندارد جز جبران کاهش فروش با عرضه چیزهایی که مشتری می‌پسندد.» ناگفته نماند که جذابیت‌های بصری بخش صنایع‌دستی و لوازم تزئینی و جانبی نیز علت دیگر «همزیستی کتاب و کالاهای لوکس» است. کمی دورتر از بارانا روی قفسه‌های پروپیمان قسمت کتابفروشی کافه‌کتاب، پوستر «حراج کتاب» چسبانده‌اند. توجه چند مشتری یا کتابخوان به آن جلب شده: «تخفیف این هفته برای همه کتاب‌هاست؟» مسئول فروش نیز سرگرم بازارگرمی است: «تخفیف این هفته، قیمت همه کتاب‌ها را آتیش زده؛ از ۳۰تا ۶۰درصد تخفیف...» با این حال، بخش فروش لوازم تزئینی، صنایع‌دستی و... شلوغ‌تر است حتی بدون پوستر تخفیف و بازارگرمی فروشندگانش.